



کارزار انتخاباتی آمریکا!



روشن کند. در حال حاضر یک نگرانی در کشور وجود دارد و آن هم عکس العمل احتمالی طرف اسرائیلی است. اما معتقدم که ایران در پاسخی که به ترور اسماعیل هنیه می دهد، حساب شده ورود خواهد کرد. طوری عمل نمی کند که انتقام به درگیری گسترده منطقه ای تبدیل شود. طبیعتاً نگرانی نباید در جامعه استعمار پیدا کند و مسئولین نباید اجازه بدهند که این انتقام بر اقتصاد کشور اثر عمیق بگذارد.» او ادامه داد: «بازها ثابت شده که ایران در مواقع حساس تصمیمات درست می گیرد. مثل قطعنامه ۵۹۸، شهادت دیپلمات ها در مزار شریف با عملیات وعده صادق. همین تأخیری که تا امروز پیش آمده، نشان می دهد که دارند روی این مسئله کار می کنند. طرف مقابل هم گیج شده چرا که نمی داند پاسخ ایران به چه صورت خواهد بود. شاید از ایران صورت نگردد. سناریوهای مختلفی ممکن است اجرا شود.» فرجی راد تأکید کرد: «روی مسئله پاسخ به آمریکا هم نباید تمرکز زیادی کرد. بارها اعلام کردند که ما از ترور خبر نداشتیم. اخباری هم مبنی بر مشاخره بایسن و نتانیاهو آمده که می توانست کمی مورد وثوق باشد. در اینکه آمریکایی ها همیشه از اسرائیل حمایت می کنند، تردید نکنید. اما در حال حاضر نتانیاهو برای منافع شخصی خود می خواهد منطقه را به جنگ بکشاند، و احتمالاً قصد تأثیرگذاری بر انتخابات آمریکا را داشته باشند. چرا که این اقدامات در نهایت به ضرر دموکرات ها است و نتانیاهو نیز تمایل دارد که ترامپ پیروز انتخابات شود. در آن صورت خیالش از بابت ماندن در قدرت راحت است. بنابراین فکر می کنم آنچه در بلندی های جولان اتفاق افتاد و باعث مرگ چند کودک شد و بقیه اتفاقاتی که در منطقه رخ داد، در این مسیر تعریف می شود.»

ناباید ضعف نشان دهیم

**جعفر قنادباشی، دیپلمات پیشین و تحلیلگر مسائل خاور میانه** نیز در گفت و گو با «هم میهن» اظهار داشت: «تمامیت ارضی ایران مورد تجاوز قرار گرفت و برگ مجوز عملیات در دست ماست. از سوی دیگر مهمان رسمی ایران ترور شد که پاسخ را جدی تر می کند. یکی از مستشاران ایران نیز در جریان حمله اسرائیل به بیروت به شهادت رسید. براساس منشور ملل متحد، اجازه پاسخگویی داریم. پیش از این بحث فلسطین مطرح بود، حالا بحث ایران مطرح است. ایران در این شرایط و در حالی که افکار عمومی جهان نسبت به اسرائیل روشن شده و به آن معترض است، امکان ضربه زدن به این رژیم را دارد. فکر می کنم اگر چندصد سناتور و نماینده کنگره در آمریکا برای نتانیاهو دست زدند، میلیاردها مسلمان و غیر مسلمان ایران را تشویق خواهند کرد.» او تأکید کرد: «غربی ها چند نگرانی درباره واکنش ایران دارند. اول اینکه باعث محبوبیت بیشتر ایران نزد نهضت های آزادی بخش شود. دوم، افزایش حمایت از ایران در محافل دانشگاهی و مانند آن ها. نگرانی بعدی شان نیز به خطر افتادن سرمایه گذاری هایی است که در منطقه و اسرائیل کرده اند. حقیقت این است که ما باید به نحوی از تمامیت ارضی مان دفاع کنیم که چنین عملیاتی دیگر تکرار نشود. به هیچ وجه نباید ضعف نشان دهیم. باید قدرتمند و حساب شده ظاهر شویم.»



پیغام ها به ایران

اخبار مختلفی درباره تلاش ها، تماس ها و پیغام ها برای کم کردن از شدت واکنش ایران به گوش می رسد. روزنامه الجزیره کویت مدعی شد که هیئتی آمریکایی از طریق ترکیه با میانجی گری عمان به ایران آمده و با مقامات کشور مان ملاقات کرده است. اما این خبر از سوی کاخ سفید تکذیب شد. وزیر خارجه اردن نیز دیروز به تهران آمد. یک منبع بر اساس گزارش ها، در این مورد به الجزیره گفت: «تهران دو پیام را به وزیر خارجه اردن خواهد رساند، یکی به رهبری اردن و دیگری به آمریکا و اسرائیل. اسرائیل به شدت حاکمیت ما را نقض کرده است و اکنون میانجی هایی را برای مهار آن می فرستد و این موضوع منفی است.» او یک منبع اردنی در واکنش به این خبر، به الجزیره گفت: «وزیر خارجه اردن در پاسخ به دعوت همتای ایرانی خود به تهران سفر کرد و حامل هیچ پیامی از اسرائیل یا به اسرائیل نیست.» وال استریت ژورنال نیز مدعی شد که ایران درخواست های آمریکا و اعراب برای تعدیل در پاسخ خود به اسرائیل را رد کرد.

دیپلماسی ضمیمه پاسخ ایران باشد

**عبدالرضا فرجی راد، دیپلمات پیشین و استاد ژئوپلیتیک** به «هم میهن» گفت: «اتفاقی امنیتی در تهران رخ داد. بازآرندگی میان ایران و اسرائیل به هم خورد و اگر واکنشی از سوی ایران رخ ندهد این گروه تندرو در اسرائیل نه تنها علیه ایران بلکه علیه کل منطقه اقدامات بیشتری انجام خواهند داد. بانوجه به آنچه اتفاق افتاده، ایران وظیفه خود می داند که از حاکمیت خود دفاع کند و به آنچه برای مهمانش رخ داد پاسخ بدهد. معتقدم که این عملیات انجام خواهد شد اما زمانش مشخص نیست. اصل غافلگیری مهم است. در کنار این عملیات نیز دیپلماسی باید فعال باشد و وجه تندروی اسرائیل و دولت افراطی آن را برای منطقه



علیه ایران، ایجاد کند: «می توانیم با طرح دعاوی متعدد علیه این شرکت ها و حتی علیه دولت های غربی آنها بر صندلی مسئولیت پذیری نشاندن و مطالبات بحق آسیب دیدگان این حوادث را پیگیری کنیم.» این حقوقدان تأکید می کند که این پرونده های مطرحه توسط اشخاص حقیقی طرح و دنبال شده است: «باید توجه کرد که مردم عادی آگاهی های لازم حقوقی را ندارند و همچنین مسائل حقوقی و سفر به این کشورها هزینه هایی را به دنبال دارد که مردم عادی از عهده آن بر نمی آیند. به همین دلیل هم ضروریست دولت پیگیر این موارد باشد.»

هیچ دولتی پیگیر حقوق ما نبود

با وجود صدور چنین آرایه اما حقیقت آن است که برای جانبازان شیمیایی سردشت، زرده، دیره و... نه در داخل کشور تمهیدات چندانی در نظر گرفته شده و نه دولت های مختلف برای احقاق حقوق آنها در مجامع بین المللی اقدامات بایسته ای انجام داده اند. در واقع مصدومان شیمیایی این مناطق نه از حمایت های داخلی لازم بهره مند هستند و نه مسئولان دولتی حقوق آنها را آنچنان که شایسته است در دادگاه های بین المللی پیگیری می کنند. معمولاً این خود قربانیان هستند که دعاوی خود را در محاکم بین المللی مطرح می کنند. به دشواری و با سختی بسیار، مسئله ای که باعث شده در زخم بمباران شیمیایی بعد از گذشت ۳۷ سال همچنان در گلابه ها و انتقادات قربانیان از مسئولین به ناسورترین شکل ممکن نمایان باشد. مانند سالم کریمپور قاضی دادگاه تجدیدنظر کرمانشا که یکی از همین قربانیان شیمیایی زرده است. او آن صبح توأم با بوی سیر و سبزی گندیده راه خوبی به یاد می آورد: «۱۰ ساله بودم. صبح زود بود. ما خواب بودیم که صدای غرش هواپیما در روستای ما پیچید و بعد صدای انفجاری مهیب آمد.»

او که حالا با مشکلات ربوی شدید دست و پنجه نرم می کند و جانباز شیمیایی ۵۰ درصد است به هم میهن می گوید: «هر چقدر سن قربانیان شیمیایی بالاتر برود مشکلات ناشی از قرار گرفتن در معرض بمباران شیمیایی هم بیشتر خود را نشان می دهد. چنانکه خواهرم نهایتاً ۴ سال پیش در سن ۴۳ سالگی بر اثر همین مشکلات فوت کرد.» این قربانی سلاح شیمیایی تأکید می کند که قوه مجریه باید از طریق بخش های سیاسی و حقوقی خود نسبت به حمایت از قربانیان شیمیایی اقدام و در محاکم بین المللی طرح دعوی کند: «اما تا این لحظه هیچ یک از دولت ها در خصوص گرفتن حق ما از شرکت هایی که مواد اولیه سلاح شیمیایی را در اختیار دولت وقت عراق قرار داده اند، اقدامی نکرده اند. واقعیت این است که به لحاظ حقوقی و کیفری با عناوینی مانند مباشر جرم، معاون جرم و شریک جرم مواجهیم. کشور عراق به عنوان کشور استفاده کننده از سلاح شیمیایی «مباشر جرم» است. سایر شرکت هایی که مواد ساخت سلاح شیمیایی را در اختیار این کشور قرار داده اند «معاون جرم» محسوب می شوند. در تمام قوانین جهان مباشر و معاون جرم هر دو در قبال جرم انجام شده دارای مسئولیت هستند و باید به لحاظ کیفری و حقوقی خسارت و ضرر و زیان جانبازان شیمیایی را جبران کنند.» او این راه می گوید که هر زمان دولت برای احقاق حقوق قربانیان حمله شیمیایی علیه معاونان یا مباشر این حادثه دعوی را مطرح کرده به عنوان شاکی در دادگاهی حاضر خواهد شد و در صورت لزوم از دانش حقوقی خود استفاده خواهد کرد.

دو قانون مصوب مجلس با عناوین «الزام دولت به پیگیری و حمایت از قربانیان سلاح های شیمیایی» و «قانون شناسایی و حمایت قربانیان شیمیایی» استفاده کنیم: «قوانین لازم در عرصه داخلی و همچنین در عرصه بین المللی با توجه به مقررات حقوق بین الملل برای حمایت از این افراد وجود دارد و ضروریست معاون حقوقی رئیس جمهور تلاش مضاعفی کند تا پرونده های متعددی علیه این گونه شرکت ها در کشورهای مربوطه طرح شود.» این استاد حقوق بین الملل به این موضوع هم اشاره می کند که در آلمان ۸۵ شرکت در صادرات مواد شیمیایی به عراق دخیل بوده اند: «لازم است برای احقاق حقوق خانواده های شهنشاهی این حادثه و همچنین جانبازانی که از آثار بمباران های شیمیایی رنج برده اند گام بردارند شاید غرامت پرداختی توسط این شرکت ها تنها بخشی از آلام و رنج قربانیان بمباران شیمیایی را جبران کند.»

معاونت حقوقی دولت پزشکیان، فرصتی جدید برای قربانیان؟

عزیزی می گوید: «گرچه برخی از انجمن ها هم در پیگیری حقوق این قربانیان و طرح این دعاوی دخیل بودند اما اگر معاون حقوقی ریاست جمهوری به صورت سازمان یافته وارد این چارچوب شود ما هم می توانیم شاهد احقاق حقوق بخش عظیمی از این قربانیان باشیم و حتی براساس ماده ۱۶ طرح مسئولیت بین المللی دولت، علیه دولت های متبوع این شرکت ها طرح دعوا کرده و آن ها را وادار به جبران خسارت کنیم.» این استاد دانشگاه توضیح می دهد که از سال ۲۰۰۴ با دستگیری فآن آنرات، ابتدا در دادگاه بدوی در لاهه برای او ۱۵ سال حبس منظور شد. اما در تجدیدنظر خواهی قربانیان، دیوان عالی هلند مدت حبس را به ۱۷ سال افزایش داد: «صدور رای اولیه در پرونده فورافینا ۸ ماه پیش انجام و حکم مربوطه هم صادر شد. این رای درباره محکومیت حقوقی متخلفین بوده اما به مسئولیت کیفری این شرکت ها نپرداخته. حکم صادره این موضوع را بربررسی کرده که آیا می توانیم این شرکت را از منظر حقوقی به پرداخت غرامت محکوم کنیم. جهت احراز مسئولیت مدنی این شرکت ها لازم است موضوع تقصیر آنها ثابت شود یعنی باید احراز شود که آیا این شرکت آگاهی داشته موادی که در اختیار دولت عراق قرار می دهد برای ساخت سلاح شیمیایی استفاده می شود یا خیر.»

این حقوقدان از ادعای شرکت فورافینا می گوید: «این شرکت مدعی بود که این مواد استفاده دوگانه داشته است یعنی می توانسته مصارف کشاورزی و... هم داشته باشد. اما با توجه به اسناد مطرحه و لوایح ارائه شده توسط خواهان های پرونده، دادگاه به این نتیجه رسید با توجه به اینکه پیش تر هم از این نوع سلاح در جبهه های جنگ استفاده شده و شرکت همچنان به صدور این مواد ادامه داده، بنابراین آگاهی وجود داشته است که از این مواد برای تولید گازهای شیمیایی خردل، سارین و تاگون در جنگ استفاده شده است. در نتیجه دادگاه آگاهی این شرکت ها را نسبت به نحوه استفاده عراق از مواد مورد نظر معزز دانست و تأکید کرد که این شرکت باید غرامت پرداخت کند. در حال حاضر هم دادگاه وارد پروسه بعدی برای تعیین میزان غرامتی شده که باید توسط این شرکت پرداخت شود.»

عزیزی معتقد است طرح تنها دو سه پرونده در حمایت از قربانیان شیمیایی ایران، در عرصه بین الملل عدد بسیار ناچیزی است و روی کار آمدن دولت پزشکیان می تواند فرصتی را برای احقاق حقوق این گروه از قربانیان جنگ عراق

رئیس جمهور و وظیفه حمایت از مظلومان جهان

خارجی، هنوز به شکل مستقل سیاست کلی به تصویب نرسیده؛ اما در «قانون برنامه پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران» (۱۴۰۷-۱۴۰۳) در فصل بیست و یکم با عنوان «سیاست خارجی» و در ماده ۱۰۰ و ۱۰۱ به ترتیب به «دیپلماسی سیاسی» و «دیپلماسی اقتصادی» پرداخته شده است. در بند «یکم» ماده ۱۰۰ می خوانیم: «اجرای اقدامات سیاسی و سیاست های کلی نظام به ویژه در بُعد مبارزه با استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی، حمایت از مستضعفین و حمایت از فلسطین... و تثبیت و تقویت اقتدار محور مقاومت...». همچنین در سه قانون مصوب مجلس شورای اسلامی نیز بر این راهبرد تأکید شده است: «قانون وظایف و زرات امور خارجه» (۱۳۷۴): «ساده چهارم، حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفان علیه مستکبران در هر نقطه جهان را تکلیف وزارت امور خارجه می دانند؛ دوم، «قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین» (۱۳۶۹): «تعلق سز زمین فلسطین به فلسطینیان، پایتختی بیت المقدس، تکلیف هیئت رئیسه مجلس به گسترش حمایت، ایجاد صندوق کمک های انسانی، ایجاد سهمیه در دانشگاه ها برای فلسطینیان، تحریم اقتصادی شرکت های همکار با صهیونیسم و در نهایت تکلیف صداوسیما به فعالیت های تبلیغاتی، خلاصه این قانون است: و سوم، «قانون الزام دولت به حمایت همه جانبه از مردم مظلوم فلسطین» (۱۳۸۷) که بر حمایت خاص از مردم غزه و تأکید بر اجرای وظایف گذشته اشاره دارد. با بررسی اسناد بالادستی و سایر قوانین مشخص می شود که هر فردی در مقام ریاست جمهوری ایران قرار گیرد، مکلف به اجرای این قوانین خواهد بود. بازگردیم به پرسش آغازین: چرا همه جامعه در این سیاست که در اصل آن یعنی دفاع از ستمدیدگان قابل قبول است، همراهی و همدلی نمی کنند؟ به شکل خلاصه چهار عامل را می توان برشمرد: اول، تمرکز بیش از حد دولت بر دفاع از مظلومان سایر نقاط جهان و تلقی بخشی از مردم به فراموشی انجام وظایف ذاتی حاکمیت مانند تأمین امنیت و معیشت ملت ایران؛ دوم، حمایت تبعیض آمیز از مسلمانان جهان، مثل تأکید بر حمایت همه جانبه از آرمان فلسطین و عدم محکومیت ستم به مسلمانان برخی نقاط حتی در حد صدور یک بیانیه؛ سوم، خلاصه شدن حمایت ها در سطح تبلیغات و عدم داشتن دستاورد محسوس و گاهی احساس نقض غرض در رسیدن به اهداف و چهارم، عدم روشن بودن مرز حمایت از دیگر ملت ها و عدم مداخله در امور داخلی آنان. در همه این قوانین بر نقش تبلیغاتی رسانه های ملی و دولتی اشاره شده است. یک پیشنهاد ساخت برنامه هایی در صداوسیما با حضور کارشناسانی از طیف های مختلف و نیز مقامات وزارت امور خارجه برای نقد و بررسی سیاست خارجی «حمایت از مستضعفین» است که با رفع ابهامات و اصلاح روش ها، طیف های بیشتری از جامعه با دولت همراه شود.



ابراهیم ایوبی  
وکیل دادگستری

«چرا باید از ملت فلسطین حمایت کنیم؟» این سوالی است که گاهی مردم کوچه و خیابان از یکدیگر می پرسند. شاید برای شما هم پیش آمده باشد وقتی صبح در تاکسی به سمت محل کار در حرکت هستیم، رادیو خبر خسارت جانی و مالی حمله هوایی دیشب اسرائیل به فلسطینیان را اعلام می کند، ولی سرنشینان بی تفاوت، ان پیش تر باید بدنبال بیم براساس «اسناد بالادستی» (تعبیری که رئیس جمهور جدید این روزها زیاد به کار می برد شامل: قانون اساسی، چشم انداز بیست ساله، سیاست های کلی نظام و برنامه پنج ساله پیشرفت می گردد) تکلیف دفاع از مستضعفین و مظلومین، از اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران است. بند «شانزدهم» اصل سوم قانون اساسی، در فهرست وظایف دولت بیان می کند: «تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان». جالب اینکه در اصل چهارم پیش نویس اولیه قانون اساسی که توسط حقوق دانانی چون شادروان دکتر ناصر کتوزیان تدوین گردیده بود، نگاه مشابهی دیده می شود: «جمهوری اسلامی در عین پایبند بودن به حاکمیت ملی، به سعادت انسان در جامعه بشری نیز می اندیشد و از حکومت عدل و مبارزه با بیادادگری در هر نقطه ای از جهان حمایت می کند». در قانون اساسی کنونی، فصل دهم با عنوان «سیاست خارجی» شامل اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵، در کنار سیاست گذاری کلان برای روابط بین الملل، به همین موضوع اشاره دارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس... دفاع از حقوق همه مسلمانان... استوار است.» (اصل ۱۵۲)، «جمهوری اسلامی ایران... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه ای از جهان حمایت می کند.» (اصل ۱۵۴) و «دولت جمهوری اسلامی ایران می تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد...» (اصل ۱۵۵). اصل ۱۵۴ به گواه مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، در تاریخ ۱۳۵۸ آبان ۱۳۵۸ با رأی موافق از ۶۱ نفر حاضر در جلسه تصویب گردید. در سند «چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افاق ۱۴۰۴ هجری شمسی» (۱۴۰۴-۱۳۸۴) نیز تعبیر مشابهی چون «الهام بخش در جهان اسلام»، «مؤثر در جهان اسلام» و «تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی» دیده می شود. در زمینه سیاست